

به نام خدا

من معلم می شوم

مolfان :

ام البنین آریانا

نیلوفر ریکی

فرزانه بامری

نادیا صیادی

زینب ریکی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۱۰۲۱۵۷۵۳
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۲۴۵-۰
عنوان و نام پدیدآور: من معلم می شوم منابع الکترونیکی: کتاب / مولفان ام البنین آریانا... [و دیگران].
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱ منبع برخط (۱۰۴ص).
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: مولفان ام البنین آریانا، نیلوفر ریگی، فرزانه بامری، نادیا صیادی، زینب ریگی.
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۳] - ۱۰۴.
نوع منبع الکترونیکی: فایل متنی (PDF).
یادداشت: دسترسی از طریق وب.
شناسه افزوده: آریانا، ام البنین، ۱۳۵۴-
موضوع: مدرسه های روستایی -- ایران
موضوع: Rural schools -- Iran
موضوع: معلمان -- ایران -- خاطرات
موضوع: Teachers -- Iran -- Diaries
رده بندی کنگره: LC ۵۱۴۸/الف۹
رده بندی دیویی: ۳۷۹/۱۷۳۴۶۰۹۵۵
دسترسی و محل الکترونیکی: آدرس الکترونیکی منبع

نام کتاب: من معلم می شوم
مولفان: ام البنین آریانا - نیلوفر ریگی - فرزانه بامری - نادیا صیادی - زینب ریگی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۰۴۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۲۴۵-۰
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه:	۷
بخش اول: آشنایی با روستای زیبا و معلم مهربان	۹
فصل یک: روستای سرسبز و آرام	۹
شگفتی‌های طبیعت در دامنه‌ی آسمان آبی	۹
نقش‌های پنهان طبیعت در فرش زندگی روستایی	۱۰
آینه‌ی مهر و محبت روستایی	۱۱
تماس با روح مهربانی در کوچه پس کوچه‌های محبت	۱۲
آوای تعهد در کوچه‌های محبت	۱۴
فصل دوم: کودکی کنجکاو به نام آرش	۱۷
پیوندهای ناگسستنی عشق و فداکاری در مدرسه روستایی	۱۷
چشم‌انداز آرش از فداکاری معلمش، مهتاب	۱۸
آینه‌ی روح آرش، منعکس‌کننده‌ی احساسات	۱۹
آزمون جان آرش: چالش‌ها و راه‌های پیمایش	۲۱
آزمون جان آرش: ریشه‌های انتخاب معلمی	۲۲
فصل سوم: معلمی با قلبی گرم	۲۵
شعله‌ی ایثار در دل معلم روستایی	۲۵
آینه‌ی دل روستایی	۲۶
انعکاس آینه در روح روستایی	۲۷
آینه مهر و شفقت معلم روستایی	۲۸
آینه‌های فداکاری در گذر زمان	۲۹
فصل چهارم: دیدن فداکاری‌های معلم	۳۳

۳۳	خاطرات خاموشی، آینه ای از مهر
۳۴	سیمای معلم مهربان
۳۵	آینه ای از عشق و فداکاری
۳۶	نقش فداکاری در آگاهی از اصول اخلاقی
۳۷	انگیزه‌های نهفته در فداکاری معلم روستایی
۳۹	فصل پنجم: تغییر در نگاه آرش
۳۹	پیام فداکاری در سطور دانش
۴۰	شکوفایی رؤیا در سایه ایثار
۴۱	تحول درک آرش از معلمی: فراتر از شغل
۴۳	آینه ی رویاهای شکسته: چالش های راه آرش به سوی معلمی
۴۴	انعکاس رویا در آینه ی عمل: تحول آرش و گام‌هایش به سوی معلمی
۴۷	فصل ششم: آرزوی معلم شدن
۴۷	آوای تعهد معلمی، بیدار دل دانش‌آموز
۴۸	سیمای دانش و شوق آموختن
۵۰	آزمون‌های نفس‌گیر دانش و مسیر صعب‌العبور یادگیری
۵۱	نقش هنرمندانه‌ی معلمی: فراتر از مهارت‌های پایه
۵۲	سمت والا و مسئولیت‌سنگین معلمی
۵۵	بخش دوم: تلاش برای رسیدن به هدف
۵۵	فصل هفتم: یادگیری و پشتکار
۵۵	نگهداری از انگیزه در مسیر طولانی
۵۷	نقش سایه‌های شکست در راه موفقیت
۵۸	آزمون روش‌ها، کشف راه‌ها
۵۹	آزمون استقامت رویاها

۶۱	نقش محیط در نگارش دانش و استقامت
۶۳	فصل هشتم: دروس سخت و کتاب های پر از رمز
۶۳	دریچه های پرسش، دریچه های فرصت: بهره گیری از راهنمایی دیگران
۶۴	سرود دانش و دل مشتاق
۶۶	راهیابی به دنیای دانش، رمزگشایی از کتابها
۶۷	نگاهی نو به ساعت مطالعه: ابزارهای فریدون برای مدیریت زمان
۶۹	نگرشی نو به چالش های پیچیده: راهکارهای فریدون برای تفکر آرام و هدفمند
۷۱	فصل نهم: دوستی های جدید و راهنمایی ها
۷۱	نقش راهنمایی ها و مشاوره ها در شکل گیری تصمیم آوا
۷۲	نقش دوست یابی در شکل گیری شخصیت آوا
۷۳	سنگ نوشته های رفاقت آوا
۷۵	سیری در مدرسه ی رفاقت: درس های پنهان در روابط
۷۶	شعله ور شدن عشق به معلمی در دل آوا
۷۹	فصل دهم: موانع و سختی ها
۷۹	آزمون ریشه های عشق به تعلیم
۸۰	بخت تنگدستی و سایه سنگین فقر
۸۱	آزمون دلیرانه ی دانش و اراده
۸۲	آزمون نهادینه شدن رؤیاها
۸۳	پیوند دانش و عشق در مسیر معلمی
۸۷	فصل یازدهم: انگیزه و حمایت خانواده
۸۷	آیینی ی رویاهای معلمی
۸۸	نگاه دلسوزانه به ریشه های انگیزه: نقش خانواده در مسیر تعلیم هوشنگ
۸۹	انعکاس الگوهای رفتاری در تداوم شوق دانش طلبی

۹۱ نقش‌های گوناگون در آفرینش شور دانش‌طلبی
۹۲ نقش آفرینی خانواده در پدیدار شدن شوق دانش‌طلبی هوشنگ
۹۵ فصل دوازدهم: تلاش برای موفقیت
۹۵ سفر دانش آرتا: برون‌رفت از چالش‌ها
۹۶ تحقق دانش روستایی: منابع آرتا در مسیر تعلیم
۹۸ نقش نگارنده‌ی شوق و کوشش: آینه‌ی باورهای آرتا
۹۹ آینه‌ی تعلیم و رنج: درس‌های نهفته در مسیر آرتا
۱۰۰ آینه‌ی تعلیم و رنج: تحولات درونی آرتا
۱۰۳ منابع

مقدمه:

در روستای کوچکی، دور از هیاهوی شهر، کودکی زندگی می‌کرد که قلبش پر از شگفتی بود و چشمانش، دنیا را با دقت و کنجکاوی می‌نگریست. این کودک، که نامش را بگذاریم «آوا»، همراه با سایر کودکان روستا، از زیبایی‌های طبیعت، صدای پرندگان و بوی گل‌های بهاری لذت می‌برد. اما چیزی که بیش از همه در زندگی آوا تأثیر گذاشت، عشق و فداکاری معلم روستایشان، خانم مهتاب، بود. خانم مهتاب، با تمام وجود و با حوصله فراوان، به آموزش و پرورش کودکان می‌پرداخت. او هر روز، با شور و شوق فراوان، مطالب جدیدی را به کودکان آموزش می‌داد و برای رسیدن به موفقیت هر یک از آنها تلاش می‌کرد. مهم‌تر از همه این بود که خانم مهتاب، در کنار دانش، به کودکان، ارزش‌های مهمی چون صبر، سخاوت و مهربانی را نیز آموزش می‌داد. آوا با دیدن این فداکاری‌ها و مشاهده‌ی عشق و صبر خانم مهتاب، حس عمیقی در درون خود احساس کرد. این حس، تلاش برای یادگیری بیشتر و در آینده، تبدیل به معلمی شایسته، در دلش کاشته شد.

زندگی آوا با این تصمیم جدید، پیچیده و پر از چالش‌ها شد. او درک کرد که برای رسیدن به هدف بزرگش، راهی طولانی در پیش دارد. در حالی که سایر کودکان، بازی و تفریح را به یادگیری ترجیح می‌دادند، آوا با پشتکار و استقامت، برای یادگیری تلاش می‌کرد. او با تمام وجود، به دنبال آموختن بود و از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد. او با مطالعه‌ی کتاب‌های فراوان، کسب تجارب مختلف و تلاش برای رسیدن به موفقیت در درس‌هایش، قدم به قدم در مسیر پیشرفت خود گام برمی‌داشت. او درک کرد که برای تبدیل شدن به معلمی موفق، فقط دانش کافی نیست، بلکه باید از صبر و شکیبایی و عشق به آموزش نیز برخوردار باشد. او می‌دانست که راهی طولانی پیش رو دارد، اما با انگیزه و امید فراوان، به تلاش خود ادامه داد. این تلاش‌ها، به تدریج به ثمری می‌انجامید

و آوا درک عمیق‌تری از مهم‌ترین جنبه‌های آموزش و پرورش به دست می‌آورد. آوا، در این سفر، تجربه‌های فراوانی کسب کرد و با هر قدم، به معلمی که در ذهنش نقش بسته بود، نزدیک‌تر می‌شد.

بخش اول:

آشنایی با روستای زیبا و معلم مهربان

فصل یک:

روستای سرسبز و آرام

شگفتی‌های طبیعت در دامنه‌ی آسمان آبی

روستا، با دامنه‌های سر به فلک کشیده‌ی کوه‌ها و دره‌های سرشار از سبزه و گل، جلوه‌ای از آرامش و دلنشینی را در دل خود جای داده بود. طبیعت بکر و دست‌نخورده، نقش محوری در این فضا سازی داشت. کوه‌های پوشیده از جنگل، با درختانی که در نسیم به رقص درآمده بودند، جلوه‌ای حیرت‌انگیز به منظره می‌بخشید. جنگل‌ها، با تنه‌های تنومند و شاخ و برگ‌های متراکم خود، پناهگاهی برای حیوانات وحشی و منشأ حیات در دل زمین بودند.

خروش رودخانه زلال، همچون نغمه‌ای دلنشین، از دل سنگ‌ها عبور می‌کرد. آب شفاف و زلال آن، که پر از ماهی‌های رنگارنگ بود، زندگی و پویایی را در دل طبیعت به تصویر می‌کشید. صدای آرامش‌بخش و هم‌نوا با نسیم‌های ملایم، جلوه‌ای از تنوع زیستی به ارمغان می‌آورد و در هر قدم از زمین، جلوه‌ای از نعمت‌های بی‌شمار طبیعت هویدا می‌شد.

بوی خوش گل‌ها و گیاهان وحشی، که در امتداد راه‌ها و مزارع پیچیده بود، حس تازه و نابی را به انسان می‌داد. تنوع گیاهی، که در دل خاک سرسبز ریشه دوانده بود، جلوه‌ای

از زیبایی و سرزندگی را به نمایش می گذاشت. به گونه‌ای که هر ذره از خاک و هر برگ از درختان، گواه بر شگفتی‌ها و عظمت خلقت بود.

همچنین، تنوع گیاهان، که هر کدام با شکوفه‌ها و رنگ‌های منحصر به فردشان، طبیعت را به تماشایی‌ترین حالت ممکن درآورده بودند، روح انسان را به طراوت و شادابی می‌کشاند. این ویژگی‌ها، صرفاً به زیبایی و آرامش محدود نمی‌شد، بلکه گواه بر تعادل ظریف و شگفتی‌های بی‌شمار طبیعت بود.

نقش‌های پنهان طبیعت در فرش زندگی روستایی

طبیعت سرسبز و دل‌انگیز، تنها وجه تمایز فصل اول نبود. در کنار منظره‌های شگفت‌انگیز، رشته‌ای از فرهنگ و سنت‌های روستایی نیز به چشم می‌آمد که در هم تنیده با طبیعت، رگه‌هایی از زندگی روزمره و ارزش‌های دیرینه را به نمایش می‌گذاشت.

کوشش‌های روزانه اهالی روستا، بویژه زنان، در انجام فعالیت‌های کشاورزی و خانه‌داری، بیانگر تلاش و پشتکار بی‌دریغ آنان بود. روش‌های سنتی کشاورزی، همچون آبیاری با آب رودخانه و استفاده از ابزارهای دستی، نقش مهمی در حفظ میراث فرهنگی داشت و از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسید. در این میان، ساختار سنتی خانه‌ها با مصالح بومی، آشپزخانه‌های پر شور و شوق و فعالیت‌های صنایع دستی محلی، تصویر کاملی از هویت و شخصیت منحصر به فرد روستائیان را ترسیم می‌کرد.

همایش‌ها و جشن‌های سنتی، که با آواز و رقص محلی برگزار می‌شد، جزو آیین‌های کهن و ماندگار بودند. قصه‌گویی‌ها و روایت‌های شفاهی، حافظه تاریخی و فرهنگی روستا را زنده نگاه می‌داشت و از طریق مذاکره و گفتگو در کنار آتش و یا زیر سایه درختان، دانش، تجربه و تجارب گذشتگان در اختیار نسل جوان قرار می‌گرفت. در این صحنه‌ها، نقش و اهمیت سنت‌های مادام‌العمر و عمیق روستاها به وضوح مشهود بود.

هنرهای محلی مانند سفالگری یا بافتن سبد، مایگی از اراده و خلاقیت مردم را نشان می داد.

همچنین، شکل و نحوه زندگی افراد خانواده ها، در کنار هم و با احترام به بزرگترها و با توجه به سلسله مراتب موجود، مظهری از هویت و فرهنگ عمیق روستایی بود. همه این عناصر، ضمن تجسم هویت فرهنگی، بیانگر ارتباط تنگاتنگ مردم با طبیعت و یکدیگر بود و در نهایت به عنوان نمادی از عشق و احترام به خویشتن، در دل طبیعت زیبا و به یادماندنی، جای داشت.

آینه ی مهر و محبت روستایی

بافت پیچیده ی زندگی روستایی، بیش از آنکه منظره ای باشد، نمادی از پیوند عمیق انسانی است. در این قاب نقاشی شده از طبیعت، نقش اعضای مختلف خانواده و همسایگان، به عنوان اجزای جدایی ناپذیر، در شکل دهی زندگی آرام و ساده روستا، نقش برجسته ای را ایفا می کند.

همکاری و تعامل، ستون فقرات زندگی روستایی است. زنانی که با شور و شوق، در مزرعه ها و خانه ها، نقش آفرینی می کردند، تجلی این همکاری بودند. همچون ریشه های در هم تنیده، اعضای خانواده در فعالیت های روزانه خود، نقش های متقابل و مکمل را ایفا می کردند. در این تعاملات، احترام به بزرگترها و سلسله مراتب موجود، به عنوان چسبی قوی، خانواده ها را به هم پیوند می داد و به زندگی روزمره، رنگ و بوی گرمی می بخشید.

همسایگان نیز با کمک و همکاری متقابل، در شرایط دشوار زندگی، حمایت و پشتیبانی محکم را برای یکدیگر فراهم می کردند. در جشن ها و مراسم سنتی، به چشم می آمد که چگونه در کنار هم، خاطرات را زنده می کنند و از طریق داستان ها و روایت های

شفاهی، تجربه ها و دانش خود را به نسل جدید منتقل می کنند. درختان کهنسال، سایه خود را بر سر همایشی از همسایگان می گستراند و آتش در شب، زنده کننده گفتگوها و خاطرات مشترک بود.

این حس مسئولیت و همیاری، به گونه ای بیانگر پیوند عمیق و صمیمی بین اهالی روستا بود. دیدن این تصویر، به خوبی درک می کند که این حس تعلق و همبستگی، چطور زندگی ساده و آرام روستایی را به سطحی بالاتر می برد. درک مشترک از ارزش های انسانی در متن رابطه و محبت خانواده و همسایگان به خوبی قابل مشاهده بود.

تنوع فعالیت ها، به منزله ی آفرینش زندگی متنوع و پویاست. از کشاورزی با ابزارهای سنتی تا بافت سبد و سفالگری، هر فردی با خلاقیت خود به خلق کار و ارزش اضافه می کرد. حتی در بخش ساده ی کار و زندگی همسایگان، مفهوم محبت و صمیمیت قابل احساس است. این نوع همکاری و پیوند دوجانبه، به تدریج باعث رشد و حرکت روستایی می شد.

در این نوع ساختار اجتماعی، مفهوم عشق و احترام به خویشان و همه ی افراد حیاتی بود. همسایگان و اعضای خانواده در یک دیگر قوت می گرفتند و با اشتراک و همیاری به رشد و سلامت خود و خانواده شان کمک می کردند.

تماس با روح مهربانی در کوچه پس کوچه های محبت

کودک روستایی، در آغوش گرم زندگی محلی، با چشم کنجکاو خود، به جزئیات زندگی روزمره در کوچه پس کوچه های روستای خود می نگریست. هر روز، صحنه های متعددی از تعامل و همیاری را به تصویر می کشید. اما یک تصویر خاص، با شفافیت و حرارت ویژه ای، در ذهنش نقش بست. تصویر معلم روستا، کسی که به هر شاگردی با مهربانی و حوصله، دنیایی از دانش را هدیه می داد، نه فقط با کلمات، بلکه با عمل.

معلم روستا، در حالی که با عشق و پشتکار، از هیچ تلاشی برای تربیت دانش‌آموزان فروگذار نمی‌کرد، خود نمونه‌ای از فداکاری بود. او نه تنها به دانش و آموزش اهمیت می‌داد، بلکه در کنار آن، به پرورش اخلاق و مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان نیز می‌پرداخت. در واقع، در هر کلام و رفتارش، روح تعهد و خدمت به دیگران هویدا بود.

کودک روستایی، با دیدن فداکاری‌ها و عشق خالص معلم، در اعماق وجود خود، جستجوگری جدیدی را درک کرد. نه فقط تعهد به آموزش، بلکه روح فداکاری، مهربانی و عشق به خدمت را در معلم خود دید.

زمانی که او می‌دید چگونه معلم روستا با شکیبایی و صبر، به هر دانش‌آموزی، به هر طریقی که می‌توانست، کمک می‌کند تا به دستاوردهای خود برسد، حس تعهدی عمیق‌تر در او ریشه دوانید. تلاش بی وقفه، عشق وصف‌ناپذیر و روح فداکارانه معلم، چیزی فراتر از یک مدرس حرفه‌ای بود.

این فداکاری‌ها، که در قالب تلاشی صادقانه و از جان‌مایه برای کمک به هر دانش‌آموز جلوه می‌کرد، آینه‌ای از ارزش‌ها و آرمان‌های بلندتر بود. در این آینه، کودک می‌دید که چگونه می‌شود با عشق و پشتکار، دایره‌ای از محبت و خیر را گسترش داد.

این تصویر شفاف و محکم از معلم، به همراه محبت‌ها و مهربانی‌های دیگر اهالی روستا، در اذهان کودک به عنوان الگوهای قابل الهام‌پذیری از زندگی جا افتاد. کودک، با تماشای این تصاویر ارزشمند، نه تنها به فکر آینده‌اش می‌افتاد، بلکه به اهمیت عشق و فداکاری در زندگی نیز پی می‌برد. این تجربه، بذر آرزویی را در دل جوانه می‌زاشت، تا در آینده، او نیز بتواند همانند معلم روستا، چراغ هدایت و محبت را در زندگی دیگران روشن کند.

آوای تعهد در کوچه‌های محبت

تماس با روح مهربانی در کوچه پس کوچه‌های محبت، برای کودک روستایی، تجربه‌ای فراتر از یک منظره‌ی روزمره بود. لحظه‌ها و صحنه‌ها، در بستر محبت و عشق، با رنگ و بوی خاصی در ذهن او نقش می‌بست. اما تصویری خاص، با شفافیت و حرارتی ویژه، در ذهنش نقش بست؛ تصویری از معلم روستا. معلمی که نه تنها با کلمات، بلکه با تمام وجود، تعهد و فداکاری را به نمایش می‌گذاشت.

شکیبایی و صبر معلم، گویی نقشی بر بوم زندگی کودک روستایی حک می‌کرد. هر تلاشی که معلم انجام می‌داد، هر سختی که تحمل می‌کرد، هر لحظه‌ای که برای دانش‌آموزان می‌گذاشت، به مثابه قطره‌های بارانی بر زمین تشنه، در دل کودک، بذر تعهد را می‌رویاند. او می‌دید که چگونه معلم، با عشق و حوصله، به هر شاگرد، با مهربانی و صبر، راه رسیدن به دانش را نشان می‌دهد.

این حسّ تعهد، با مشاهده‌ی فداکاری‌های معلم، در روح کودک، به گلی تازه و سرسبز تبدیل شد. نه فقط تعهد به آموزش، بلکه روح فداکاری، مهربانی و عشق به خدمت، در وجود معلم جلوه می‌کرد. او به عمق عشق و پشتکار معلم پی می‌برد، عشقی که در هر لحظه و در هر کلمه، به چشم می‌آمد.

این فداکاری، این عشق خالص و این تعهد، فراتر از یک مدرس حرفه‌ای بود؛ روح زندگی در کوچه‌های محبت بود. در این صحنه‌ها، کودک روستایی، نه فقط به آینده‌ی خود، بلکه به اهمیت عشق و فداکاری در زندگی انسان‌ها، به طور کامل پی می‌برد. این عشق و فداکاری، به مثابه راهنمایی بود که نشان می‌داد، چگونه می‌توان با عشق و پشتکار، دایره‌ای از محبت و خیر را گسترش داد.

همین تصاویر ارزشمند و بی‌نظیر، در کنار محبت‌ها و مهربانی‌های دیگر اهالی روستا، به عنوان الگوهای قابل الهام‌پذیری در زندگی کودک، جا افتاد. این تجربیات دل‌انگیز، بذر آرزویی را در دل جوانه‌های رویاهای او می‌نشانند. آرزوی ایجاد و گسترش عشق و فداکاری در زندگی آینده‌ی خود. در نهایت، این تصویر، به تصویر معلم روستا به عنوان نماد این عشق و این فداکاری، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم کودک برای آینده‌ی خود ایفا کرد.